

سازماندهی مؤسسات حقوقی در پرتو ویژگی‌های موضوع فعالیت (با بهره‌گیری از آورده‌های حقوق تطبیقی)

سید عباس سیدی آرانی *

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۷/۰۵

تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۲/۱۷

چکیده

سه ضلع طلایی مثلث ویژگی‌های حرفه وکالت عبارت‌اند از: استقلال، سوداگرانه نبودن و شخصی بودن رابطه. استقلال وکیل لازمه وجود رابطه ویژه میان وکیل و مشتری است. به علاوه، هدف اصلی وکیل، برخلاف تاجر، جستجوی نفع نیست. در نهایت، رابطه شخصی جوهره و دلیل وجودی سایر ویژگی‌های حرفه است؛ دلیل قابل ارزیابی نبودن خدمت ارائه شده و لزوم استقلال وکیل همین نوع رابطه است. برای قانونمند کردن اجرای مشارکتی وکالت در قالب مؤسسات حقوقی، با بهره‌مندی از آورده‌های حقوق تطبیقی و با در نظر گرفتن هر سه ضلع این مثلث پیشنهاد می‌شود: برای تضمین استقلال، آورده صنعت جایگاه ویژه‌ای داشته، درب‌های مؤسسه به روی سرمایه بیرونی بسته و شرکا شخصاً مسئول پیامدهای زیان بار فعالیت خود باشند. برای نفی سوداگری، اصل بر تقسیم مساوی منافع بین آورندگان متفاوت باشد. برای محوریت رابطه شخصی، مؤسسه از حداقل دو شریک تشکیل و حداکثری در تعداد شرکا در نظر گرفته شود. ورود شریک جدید به مؤسسه با موافقت همه شرکا ممکن باشد. در قبال فعل زیان بار شریک مسئولیت تضامنی شرکت و نسبت به دیون شرکت مسئولیت نامحدود شرکا برقرار گردد. اسباب انحلال مؤسسه محدود و آثار عطف به ماسبق شونده ابطال قرارداد مؤسسه از بین برود تا ابطال قرارداد مؤسسه به اعتبار اقدامات انجام شده توسط شریک پیش از قطعی شدن ابطال خدشه‌ای وارد نکند.

کلید واژگان:

اجرای مشارکتی، استقلال، سوداگرانه نبودن، شخصی بودن رابطه، وکالت.

* استادیار، دانشکده علوم انسانی و حقوق دانشگاه کاشان

مقدمه

یکی از نیازهای جوامع مدنی امروزی اجرای مشارکتی حرفه و کالت است. در جامعه ایران، به دلیل مزایای بسیار اجرای مشارکتی نسبت به اجرای فردی^۱ و کلا به اجرای مشارکتی از خود تمایل نشان داده‌اند. به طوری که نیاز به تأسیس یک نهاد حقوقی جدید به شدت احساس می‌شود. به دلیل ماهیت مدنی و کالت،^۲ قالب شرکت سهامی و شرکت تعاونی پیشنهاد می‌شود؛ زیرا موضوع این شرکت‌ها ممکن است امور غیرتجاری باشد.^۳ مشاوران حقوقی فقط با تأسیس مؤسسه امکان فعالیت دارند.^۴ این نهاد حقوقی تابع ضوابط و مقررات مربوط به مؤسسات غیرتجاری است.^۵ شرکت سهامی را که بهترین ابزار حقوقی برای سرمایه‌داری مدرن است^۶ و نیز شرکت تعاونی که اشخاص برای رفع نیازمندی‌های مشترک و بهبود وضع اقتصادی و اجتماعی خود از طریق خودیاری و کمک متقابل تشکیل می‌دهند،^۷ نمی‌توان بدون پذیرش مقررات استثنایی فراوان برای انجام یک فعالیت حقوقی پیشنهاد داد. شرایط کنونی ایجاب می‌کند و کلا نیز قالب مؤسسات غیرتجاری را برای انجام حرفه خود انتخاب کنند. به‌ویژه که برابر ماده ۱ آیین‌نامه اصلاحی ثبت تشکیلات و مؤسسات غیرتجارتی (مصوب ۱۳۳۷)، داشتن قصد انتفاع، تأثیری در غیرتجاری بودن این مؤسسات ندارد.^۸ با پذیرش این قالب برای فعالیت وکلای دادگستری و مشاوران حقوقی، مقررات حاکم بر مؤسسات حقوقی به چند مقرر ماده ۵۸۴ تا ۵۸۶ ق ت و نیز آیین‌نامه اصلاحی ثبت تشکیلات و مؤسسات غیرتجارتی، ماده ۱۸۷ قانون برنامه سوم

۱. ماده ۴۲ ق آد م.

۲. رأی شماره ۶۰۷-۱۳۷۵/۶/۲۰ دیوان عالی کشور، روزنامه رسمی، شماره ۱۵۰۶۴-۱۳۷۵/۸/۲۶.

۳. ماده ۲ لایحه قانونی قانون تجارت؛ اسکینی، ربیعا، *حقوق تجارت، شرکت‌های تجاری*، جلد ۱، سمت، ۱۳۹۳، ص ۳.

۴. ماده ۱۸۷ قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور (مصوب ۱۳۷۹)، یادشده در این مقاله با عنوان «قانون برنامه سوم».

۵. تبصره ۴ ماده ۲۱ آیین‌نامه اجرایی ماده ۱۸۷ قانون برنامه سوم.

6. GUYON, Y. "L'exercice en société des professions libérales règlementées", *D.* 1991, n° 24.

۷. اسکینی، ربیعا، پیشین، ص ۸۳.

۸. دمرچیلی، محمد، علی حاتمی و محسن قرائی، *قانون تجارت در نظم حقوقی کنونی*، تهران: دادستان، چاپ نهم، ۱۳۸۸، ص ۹۳۴.

و آیین‌نامه اجرایی آن و مقررات داخلی کانون وکلای دادگستری مربوط به تشکیل مؤسسات حقوقی و اداره آنها^۱ محدود می‌شوند.

شرکای این مؤسسات به دلیل نبود مقررات قانونی، قانون تجارت را بر روابط خود حاکم می‌دانند. در صورت سکوت شرکا در مورد قانون حاکم، قضات نیز از اعمال مقررات قانون تجارت ناگزیرند. چون این قانون تنها قانون مناسب موجود در مورد یک شرکت خصوصی با شخصیت حقوقی است. در صورت نبود راهکار در قانون تجارت، اصول کلی به یاری قضات و شرکا می‌آید. نتیجه عدم سازگاری مقررات قانون تجارت و اصول کلی حقوقی با مؤسسات حقوقی تعارض میان مقررات با ویژگی‌های وکالت است.

قانون‌گذار فرانسه با آگاهی از این مشکلات، با تصویب قانون شماره ۸۷۹-۶۶ (مصوب ۱۹۶۶) راجع به «شرکت مدنی حرفه‌ای»، یادشده از آن در این مقاله با نام «قانون ۱۹۶۶»، به وکلا، مانند برخی دیگر از دارندگان حرفه‌های آزاد، امکان انجام حرفه در یک شرکت مدنی حرفه‌ای را پیشنهاد کرد. آیین‌نامه اجرایی شماره ۶۸۰-۹۲ (مصوب ۱۹۹۲) آن قانون، مربوط به حرفه وکالت است. برابر ماده ۱ قانون یادشده، «اشخاص حقیقی دارنده حرفه آزاد می‌توانند بین خود شرکت مدنی حرفه‌ای تشکیل دهند». برابر نظر فلورانس موری: «حرفه آزاد حقوق ویژه شرکت‌ها را پدید آورده است که قواعدش با شاخص‌های سنتی هماهنگی ندارد. ویژگی‌های شرکت‌های مختلف با هم ترکیب شده‌اند تا به حرفه‌ای‌ها، ساختاری مؤثر هدیه دهند. ساختاری که صرفاً توسط شرکای حرفه‌ای شرکت کنترل می‌شود».^۲ موضوع شرکت اجرای مشترک حرفه آزاد اعضای آن است». مقررات باب «شرکت» از ماده ۱۸۳۲ تا ۱۷-۱۸۴۴ و نیز مقررات «شرکت مدنی» قانون مدنی فرانسه از مواد ۱۸۴۵ تا ۱۸۷۰ قواعد عام این شرکت را تشکیل می‌دهند.

دخالت قانون‌گذار ایران نیز در این مهم اجتناب‌ناپذیر می‌نماید؛ زیرا اکثر مقررات این عرصه تکالیفی را برای شرکا یا اشخاص ثالث ایجاد می‌کنند که فقط قانون می‌تواند آنها را تحمیل کند. متأسفانه قانون‌گذار که جایگاه ویژه‌ای نیز برای تعیین تکلیف در این عرصه دارد، انجام این مهم

۱. قهرمانی، نصرالله و ابراهیم یوسفی محله، *مجموعه کامل مقررات وکالت*، تهران: مجد، چاپ دوم، ۱۳۸۲، ص ۲۰۷.

2 MAURY, F., *L'exercice, sous la forme d'une société, d'une profession libérale réglementée*, Presses universitaires d'Aix-Marseille, 2000, p.246.

را به شرکا واگذار کرده است. وضعیت از این نظر بدتر می‌شود که در قانون مدنی مفهوم شرکت^۱ و نیز مقررات خاص شرکت مدنی وجود ندارد.^۲ نبود این مقررات خلأی بزرگ ایجاد کرده است؛ زیرا قواعد عام یک مؤسسه حقوقی را همین مقررات تشکیل می‌دهند.

بدون تردید نمی‌توان در این مختصر، همه این امور را در حقوق ملی سازمان‌دهی کرد؛ نگارنده در تلاش است با توجه به ویژگی‌های وکالت و با بهره‌مندی از آورده‌های حقوق تطبیقی، پیشنهادهاتی را برای ایجاد قالبی نو و وضع مقرراتی سازگار با وکالت بدهد. استقلال نخستین ویژگی وکالت است. بیم آن می‌رود در اجرای مشارکتی وکالت، این ویژگی با وضع قواعدی ناسازگار در موضوع سرمایه، اختیارات شرکتی و نیز حقوق شریک آسیب پذیرد. دومین ویژگی شخصی بودن رابطه بین وکیل و مشتری است که ممکن است در شرکت با از بین رفتن آزادی انتخاب مشتری تحت تأثیر قرار گیرد. البته در اجرای مشارکتی حرفه وکالت مسئله تفاهم بین وکلای شریک نیز مطرح می‌شود. می‌توان با سامان‌دهی صحیح همکاری تفاهم خوبی میان شرکا ایجاد کرد. به علاوه بهره‌مندی از شخصیت حقوقی مؤسسه این ویژگی را استمرار و حتی استحکام می‌بخشد. سومین ویژگی وکالت نفی سوداگری است که ممکن است در شرکت با نحوه پرداخت دستمزد شرکا و مالیت یافتن مشتری خدشه‌دار شود. قانون‌گذار باید با وضع مقرراتی این نگرانی‌ها را کاهش دهد.

۱. تضمین استقلال حرفه‌ای

در حقوق ایران، استقلال وکلای عضو کانون‌های مستقل و وکلای وابسته به قوه قضائیه به یک صورت مطرح نمی‌شود. علی‌رغم محدودیت‌های اعمال شده بر استقلال گروه نخست،^۳ ایشان به حفظ اصل استقلال خود دلخوش‌اند؛ تابع نظارت‌های کانون و دادگاه انتظامی وکلا هستند و فقط دادگاه عالی انتظامی قضات، آن هم برای حفظ شأن وکلا، حق رسیدگی به تجدید نظرخواهی از آرای صادره از دادگاه انتظامی وکلا را دارد. رسیدگی به تخلفات انتظامی وکلا

۱. سیدی آرانی، سید عباس، *اختلاط بین مفهوم اشاعه و شرکت در قانون مدنی ایران*، مجله تحقیقات حقوقی، ۹۳، شماره ۶۶.

۲. سیدی آرانی، سید عباس، *مقایسه تطبیقی شرکت نسبی در حقوق ایران و شرکت مدنی در حقوق فرانسه*، مجله حقوق اسلامی، ۱۳۹۷، دوره ۱۵، شماره ۵۹.

۳. مواد ۶ و ۸ لایحه استقلال کانون وکلا - مصوب ۱۳۳۳ و مواد ۲۱ و ۲۰ قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت مصوب ۱۳۷۶.

توسط دادگاه انتظامی، به تعبیری اساس استقلال کانون وکلاست.^۱ با وجود این، وکلای گروه دوم تحت نظر هیئت انتصابی مذکور در ماده ۲ آیین‌نامه اجرایی ماده ۱۸۷ قانون برنامه سوم هستند که هیچ وکیلی عضو آن نیست^۲ و در بسیاری از امور ایشان، از جمله رسیدگی به تخلفات، در دو مرحله بدوی و تجدیدنظر، دارای اختیارات نامحدود است.^۳

هرچند تضمین حقوق مردم اقتضا می‌کند تا از صلاحیت علمی و اخلاقی وکیل اطمینان حاصل شود^۴ و تحت نظارت نهادی مقتدر باشد تا وی را به رعایت قواعدی ملزم و انجام آنها را کنترل و با سرپیچی از آنها برخورد کند. منتهی این نظارت نباید به حدی باشد که استقلال وکیل را به مخاطره بیندازد. اهمیت آن به اندازه‌ای است که می‌توان آن را هم‌سنگ استقلال قاضی دانست.^۵ حتی در این شرایط نیز ادعای از بین رفتن کامل استقلال وکیل صحیح نیست؛ چه وی به اقتدار سلسله مراتبی وابسته نیست. تأثیر نظارت بر وابستگی انکارنشده است، اما تفاوت میان این دو اساسی است. البته بیم آن می‌رود که قواعد حاکم بر اجرای مشارکتی وکالت، این باقی‌مانده استقلال را از بین ببرند.^۶ درصددیم با پیشنهاد قواعدی راجع به سرمایه، اختیارات و حقوق شرکتی آن را تضمین کنیم.

۱.۱. استقلال و سرمایه شرکتی

از میان قواعد حاکم بر سرمایه مؤسسه حقوقی، دو قاعده ابتکار عمل را به وکلای شریک می‌دهند. برابر قاعده نخست، «سرمایه باید در چنین مؤسسه‌ای اهمیت کمی داشته باشد»، چه آورده اساسی در اینجا صنعت شرکاست. «اگر آگاهی، استعداد، دانایی و شهرت شرکا در چنین

۱. متین‌دفتری، احمد، نامه تبریک استقلال کانون وکلای دادگستری، نقل از کانون وکلا، مجله علمی حقوقی انتقادی، سال پنجم، بهمن و اسفند ۱۳۳۱، شماره ۲۹، ص ۶۴.

۲. محسنی، حسن، نظام حقوقی کانون وکلا، گزارش پژوهشی تحقیقات قضایی، صص ۵۸ و ۵۹.

۳. محسنی، حسن، وکالت و کانون وکلای دادگستری در نظام حقوقی، تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ دوم، صص ۱۶۳، ۱۳۷.

۴. ماده ۳۳ ق آ دم و ماده ۴۸ قانون وکالت (مصوب ۱۳۱۵).

۵. تبصره ۳ مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام در خصوص «انتخاب وکیل توسط اصحاب دعوی» مصوب ۱۳۷۰.

۶. بیگی حبیب‌آبادی، محمد، ارائه خدمات حقوقی در قالب شرکت‌های سهامی، تحقیقات قضایی، ص ۲۳.

شرکتی وجود نداشته باشد، مشتری، مکان و تجهیزات حرفه‌ای هیچ ارزشی ندارند»^۱. قاعده دوم «تأمین سرمایه مؤسسه را به طور کامل به عهده وکلای شریک قرار داده است». اگر بناست سودی از فعالیت حقوقی عاید شود، صاحبان این حرفه باید از آن بهره‌مند شوند نه اشخاص غیرحرفه‌ای که صرفاً نقش واسطه را ایفا می‌کنند.^۲ این عدم استقبال مؤسسه از سرمایه بیرونی، استقلال وکلای شریک در برابر افراد غیرمتخصص و خارج از مؤسسه را به ارمغان می‌آورد. در این شرایط شگفت‌آور بود که سازمان ثبت اسناد و املاک کشور^۳ و هیئت عمومی دیوان عدالت اداری^۴ تأسیس مؤسسات حقوقی توسط فرد یا افراد غیر وکیل را نیز مجاز می‌دانستند. وضعیتی که با رأی شماره ۲۷۵۴-۱۳۹۸/۹/۱۹ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری دگرگون شد. برابر این رأی، به منظور تأسیس مؤسسه حقوقی اخذ مجوز از کانون وکلای دادگستری و مرکز وکلای قوه قضائیه الزامی است.

۱.۲. استقلال و اختیارات شرکتی

مراجع تصمیم‌گیرنده مؤسسه عبارت‌اند از: مدیر و مجمع عمومی.

۱،۲،۱. مدیریت

انتخاب مدیرحرفه‌ای: در مؤسسه‌ای با موضوع اجرای مشارکتی باید از انتخاب مدیر غیرمتخصص پرهیز کرد، چه همیشه امکان دخالت مدیر در فعالیت حرفه‌ای وجود دارد. در سیستم آزادی کامل قراردادی، ممکن است که وکلای شریک با نادیده‌گرفتن پیامدهای انتخاب خود به نحو دیگری تصمیم بگیرند. به همین دلیل، قاعده‌ای وضع شده است که سرپیچی از آن حتی با اجماع شرکا ممکن نخواهد بود؛ مدیر یا مدیران باید از بین اعضای مؤسسه انتخاب شوند.^۵ بدین ترتیب، خطر دخالت غیرحرفه‌ای در انجام موضوع مؤسسه از بین می‌رود و استقلال وکلا در برابر اشخاص خارج از گروه تضمین می‌شود. اما این قاعده رسیدن به پست مدیریت را

1. GUYON, Y. "Les apports en industrie dans les sociétés civiles professionnelles", *Defrénois* 1999, n° 2.

۲. بیگی حبیب‌آبادی، محمد، پیشین، ص ۱۹.

۳. بخشنامه ۹۱/۱۰/۲-۹۱/۱۹۱۵۳۶، اداره ثبت شرکت‌ها.

۴. رأی شماره ۱۸۳ دیوان عدالت اداری-۹۸/۲/۱۷.

۵. مقررات تشکیل مؤسسات حقوقی و اداره آنها.

برای عضو سابق یا عضو بازنشسته مؤسسه، ممنوع می‌کند. بدین ترتیب، نمی‌توان از تجربیات اشخاص بیرون از مجموعه بهره برد. منتهی قاعده بالا با منطق محکمی پشتیبانی می‌شود: «مدیر کمابیش در اسناد حرفه‌ای مؤسسه دخالت دارد. بنابراین او باید عضو آن باشد».^۱ تعدد وظایف محوله به وکلا مستلزم رهایی ایشان از فشارهای بیرونی است.^۲ مدیریت تمام شرکا: همچنین باید قاعده‌ای وضع کرد که برابر آن، «تمام شرکا مدیر مؤسسه باشند، مگر اینکه اساسنامه به صورت دیگری پیش‌بینی کند».^۳ این مقرر قواعد شرکت‌های تجاری را که برابر آنها شرکت توسط «یک یا چند شخص» مدیریت می‌شود،^۴ دگرگون می‌سازد. بدین ترتیب، شرکا جایگاه یکسانی دارند.

منع مدیر از دخالت در فعالیت حرفه‌ای: قاعده سومی نیز باید وضع شود؛ «اختیارات مدیران نباید به نحوی باشد که شریک را در انجام فعالیت حرفه‌ای به مدیر وابسته کند».^۵ چنین مقرره‌ای استقلال وکیل را در برابر مدیریت مؤسسه تضمین می‌کند. اگر کسی اختیار انجام کاری را داشته باشد، در قبال انجام ندادن آن مسئول است. بنابراین، قاعده پیشنهادی در حقوق ملی پذیرفته خواهد شد. به‌ویژه اینکه، اگر حقوق ایران این قاعده را بپذیرد. این عیب که مدیر به عنوان وکیل شرکت موکل خود را تنها با اقدامات مجازی که در چهارچوب اساسنامه است، متعهد خواهد کرد نه با اعمال مجاز در محدوده موضوع شرکت،^۶ برطرف خواهد شد. وضعیتی که ثالث را مجبور می‌کند برای اینکه از اختیارات مدیر اطلاع یابد، در هر مورد به اساسنامه رجوع کند.

۱،۲،۲. مجمع عمومی

قانون‌گذار باید در موضوع تصمیمات جمعی و در راستای تضمین استقلال وکلای شریک، دو مسئله کمابیش متعارض را آشتی دهد. مسئله نخست حمایت از یکپارچگی در گروه است که با اکثریت قوی‌تری ممکن می‌شود؛ اینکه تصمیمی با اکثریت قوی‌تری اتخاذ شود، نشان‌دهنده

1. MAURY, F. "Sociétés civiles professionnelles", *Rép. Sociétés Dalloz*, janvier 2009, n°106.

۲. محسنی، حسن و مجید غمامی، **رابطه میان استقلال قضاوت و استقلال وکالت**، مطالعات حقوق خصوصی، ۱۳۹۴، دوره ۴۵، شماره ۲.

۳. ماده ۱۱ ق ۱۹۶۶.

۴. مواد ۱۲۱، ۱۲۰، ۱۰۴ و ۱۸۵ ق ت و مواد ۱۷ و ۴۸ لایحه قانونی ۱۳۴۷.

۵. ماده ۱۱ ق ۱۹۶۶.

۶. اسکینی، ربیعا، پیشین، ص ۱۳۹.

یکپارچگی در گروه است. مسئله دوم جلوگیری از بن‌بست در تصمیم‌گیری‌هاست^۱ که با اکثریت ضعیف‌تری محقق می‌شود. لزوم اکثریت پایین در تصمیم‌گیری باعث می‌شود حتی با وجود مخالفت اقلیتی از شرکا، تصمیم گرفته شود. در هر صورت، هرچقدر اکثریت لازم برای تصویب موضوعی قوی‌تر باشد، استقلال و کلا بیشتر تقویت می‌شود. روش تضمین استقلال شرکای وکیل، اجماع است.

۱.۳. استقلال حرفه‌ای و حقوق شریک

حق بر اطلاعات، حق رأی و حق کناره‌گیری در یک مؤسسه حقوقی از جمله حقوق غیرمالی ناشی از مالکیت سهام شریک‌اند که در ارتباط مستقیم با استقلال وکیل قرار می‌گیرند. حدود این حقوق در اساسنامه با توافق شرکا قابل تعیین است. چه وقتی یک صنف شغلی بتواند اساسنامه فعالیت خود را آزادانه تهیه و بر اساس آن عمل کند، بیشترین حد استقلال قابل تصور است؛ شرکا می‌توانند با گنجاندن شرایط و مواد ویژه‌ای این حقوق را محدود و یا گسترش دهند. اما در راستای تضمین استقلال شریک، ایشان نباید حق محروم کردن وی به صورت کامل از این حقوق را داشته باشند.

۱.۳.۱. حق بر اطلاعات

در اندک مقررات حاکم بر مؤسسات حقوقی، تلاشی برای سازگاری اجرای مشارکتی با ممنوعیت‌های فردی که به نفع مشتری ایجاد شده‌اند، صورت نگرفته است. برای نمونه، در اجرای فردی، وکیل نمی‌تواند از مشتریان با منافع متضاد دفاع کند. او حتی نمی‌تواند از پرونده‌ای استعفا دهد و پرونده مشتری با منفع متضاد را بپذیرد.^۲ فلسفه وضع این قواعد در اجرای مشارکتی اقتضا می‌کند که وکلای مؤسسه پرونده‌های مشتریان با منافع متضاد را نپذیرند. در این شرایط، شرکا باید بتوانند بدون نگرانی از خدشه‌دار شدن وظیفه حفظ اسرار مشتری،^۳ یکدیگر را از فعالیت خود آگاه نمایند. راه برون‌رفت دفاع از مشتریان با منافع متضاد توسط وکلای یک

1. CHARDENON, P., De MOURZITCH, J., "Les sociétés civiles professionnelles d'avocats", *JCP*, 1972-I-2499, n° 23.

۲. ماده ۳۷ قانون وکالت و بند ۲ ماده ۸۲ آیین‌نامه لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری (مصوب ۱۳۳۴).

۳. ماده ۳۰ قانون وکالت؛ اسمعیلی افراسیابی، محمدحسن، **مسئولیت حرفه‌ای وکیل**، کانون وکلا، تابستان ۱۳۸۱، شماره ۱۷۷.

مؤسسه همین است. به علاوه، این مؤسسه است که دستمزدهای واریزی در برابر فعالیت حرفه‌ای شرکا را دریافت می‌کند. سوای اینکه بهتر است شرکای مؤسسه نسبت به دیون آن مسئولیت نامحدود داشته باشند. پس لازم است در مورد موضوعات مرتبط با کارکرد مؤسسه، حق اطلاع گسترده شرکا را به رسمیت شناخت.

۱.۳.۲. حق رأی

ارزش رأی شرکا در شرکت‌های سرمایه به نسبت سهامشان در سرمایه شرکت است.^۱ اما در مؤسسه حقوقی که سبلی از دموکراسی است، فعالیت هر شریک ارزشی بیشتر از سهام وی در سرمایه دارد.^۲ پس مناسب است روی اصل «هرکس، یک رأی» پافشاری و از سیستم «یک سهم، یک رأی» پرهیز شود. البته شرکا نمی‌توانند ملاکی را بپذیرند که در آن شریکی از حق رأی محروم شود؛^۳ چه این یک حق جدانشدنی از شریک است. در مورد تعداد آرا می‌توان صرف نظر از نوع آورده یا میزان سهم‌الشرکه، تساوی آرای شرکا را الزام‌آور کرد.^۴ هر چند در این موارد تساوی مطرح است، اما تساوی منبع آزادی و استقلال است. البته این وضعیت سخت شدن تصمیم‌گیری در مجمع عمومی را به دنبال دارد.

۱.۳.۳. حق کناره‌گیری

شریک باید بتواند هر زمان که بخواهد از شرکت کناره‌گیری کند. منافع زیادی برحق کناره‌گیری شریک مترتب است.^۵ با وجود این، قانون تجارت حق کناره‌گیری را به رسمیت نشناخته است.^۶ ماده ۱۲۳ این قانون در مورد شرکت تضامنی پیش‌بینی می‌کند: «هیچ‌یک از شرکا نمی‌تواند سهم خود را به دیگری منتقل کند، مگر به رضایت تمام شرکا». شریک خواهان کناره‌گیری از شرکت نمی‌تواند سایر شرکا را مکلف به خرید سهم‌الشرکه خود کند. او فقط

۱. ماده ۱۰۷ ق.ت.

۲. ماده ۱۳ قانون ۱۹۶۶.

3. MAURY, F., *L'exercice, sous la forme d'une société, d'une profession libérale réglementée*, op.cit., p.139.

۴. پیش‌تر همین قاعده بر شرکت حرفه‌ای پزشکان فرانسوی اعمال می‌شد. رک، ماده ۱۹ آیین‌نامه شماره ۶۳۶-۷۷ مورخ ۱۴ ژوئن ۱۹۷۷.

۵. سیدی آرانی، سیدعباس، پیشین.

۶. ستوده تهرانی، حسن، *حقوق تجارت*، جلد ۱، تهران: دادگستر، ۱۳۹۴، ص ۲۲۶.

می‌تواند انحلال شرکت را از دادگاه درخواست کند.^۱ در این وضعیت، اگر شریک خریداری برای سهام خود پیدا نکند، باید در شرکت باقی بماند. به دیگر سخن، شریک «زندانی سهم خود» است. لازم است این وضعیت حداقل در مؤسسه حقوقی اصلاح شود. به رسمیت شناختن حق کناره‌گیری نوعی تضمین آزادی و استقلال شریک است. مؤسسه باید سهم شریک خواهان کناره‌گیری را به منظور ابطال آن خریداری و یا شریکی را به خرید ترغیب کند. این راهکار به طور محسوسی به ایجاد سازش میان آزادی شریک برای کناره‌گیری از مؤسسه و روابط شخصی میان وکلا منجر می‌شود.

۲. محوریت شخصی بودن روابط میان وکلا و مشتری^۲

رابطه شخصی جوهره حرفه آزاد را تشکیل می‌دهد. باید آن را دلیل وجود سایر ویژگی‌های حرفه آزاد دانست. «رابطه ویژه با مشتری دلیل قابل ارزیابی نبودن خدمت ارائه شده و لزوم استقلال حرفه‌ای در اجرای فعالیت است. این رابطه عمیقاً اشخاص درگیر در موضوع را به انجام تعهدات خود مکلف می‌کند. در این حرفه نسبت به سایر مشاغل، رابطه قوی‌تری با مشتری وجود دارد؛ با انعقاد قرارداد وکالت، یک رابطه اعتماد و اطمینان میان وکیل و مشتری ایجاد می‌شود. مشتری مسائل شخصی و محرمانه خود را برای وکیل مطرح می‌کند، وکیل نیز در نگرانی‌های موکل شریک می‌شود و برای انجام وظیفه، مصلحت موکل را بر مصالح شخصی خود مقدم می‌داند.^۳ «اعتماد آگاهانه» (فرمول اکثر پورت در خصوص رابطه پزشک و بیمار) برای وکالت نیز واقعیتی انکارناپذیر است.^۴ طبیعتاً مشتری برای انتخاب، شخصیت وکیل را بیش از هر ویژگی دیگری مدنظر قرار می‌دهد.^۵

۱. اسکینی، ربیعا، پیشین، ص ۱۹۷.

۲. بیگی حبیب‌آبادی، محمد، پیشین، ص ۳۶.

3. SAVATIER, J., "Qu'est-ce qu'une profession libérale?", *Rev. Projet, civilisation, travail, économie*, Paris: Centre de recherche et d'action sociale, 1966, p.456.

4. CHAPPUIS, J. "Les sociétés civiles professionnelles notariale". Thèse, l'Université Lyon III, 1969, p.12.

۵. رأی شماره ۶۰۷-۱۳۷۵/۶/۲۰- دیوان عالی کشور.

در اجرای مشارکتی وکالت، دو نوع رابطه شخصی مطرح است؛ رابطه وکیل و مشتری نخستین رابطه‌ایست که در اجرای فردی نیز مطرح می‌شود و دومین رابطه با پیوستن وکیل به مؤسسه میان وکلای شریک مطرح می‌شود. قانون‌گذار در راستای ایجاد رابطه میان وکلای شریک (چرا که تاکنون این حرفه به صورت انفرادی انجام می‌شد و روابط میان وکلای همکار بی‌معنا بود) و حفظ رابطه وکیل و مشتری باید در موضوع آزادی انتخاب و سازمان‌دهی همکار وارد عمل شود و مقرراتی وضع نماید. به ویژه اینکه نگرانی‌هایی که در مورد سرنوشت آزادی انتخاب مشتری در این نوع اجرا وجود دارد،^۱ حتی با بهره‌مندی حداکثری از شخصیت حقوقی می‌توان نه تنها این رابطه شخصی را استمرار، بلکه استحکام بخشید.

۲.۱. حفظ رابطه بین شریک و مشتری؛ سرنوشت اصل آزادی انتخاب

دلایل وجود رابطه شخصی بین شریک و مشتری: نمی‌توان پذیرفت که اجرای مشارکتی رابطه اعتماد و اطمینان ایجادشده میان وکیل و مشتری را از بین می‌برد؛ چرا که مؤسسه حقوقی قرارداد را با مشتری منعقد می‌کند، اما شریک مشتری را می‌پذیرد و موضوع قرارداد که وکالت است، به نام مؤسسه انجام می‌دهد.^۲ هرچند شریکی که به منافع مشتری می‌پردازد، از ابتدا توسط مشتری انتخاب نشده است. منتهی این وضعیت دلیل نبود ایجاد رابطه شخصی در مراحل بعدی نیست.

شفافیت از ویژگی‌های مهم مؤسسه است. این ویژگی در ایجاد رابطه شخصی بین وکیل و مشتری نقش دارد. برای این ادعا دلایلی داریم: شرکای چنین شرکتی وکیل هستند. درواقع، شرکای وابسته به حرفه‌های آزاد نمایندگان واقعی شرکت متبوع خود هستند^۳ که به طور مؤثر و انحصاری (از این نظر که حق اجرای انفرادی وکالت را ندارند و موظفانند فقط در مؤسسه خود وکالت کنند) به اجرای حرفه وکالت در مؤسسه مبادرت می‌ورزند.^۴ به علاوه، قاعده پیشنهادی که برابر آن، «تمام شرکا مدیرند»، جنبه صرفاً تئوری نخواهد داشت. همه شرکا عملاً در مدیریت مؤسسه سهیم خواهند بود. در نهایت، شرکا شخصاً مسئول پیامدهای زیان‌بار اعمال خود خواهند بود.

۱. بیگی حبیب‌آبادی، محمد، پیشین، ص ۱۶.

2. LAMBOLEY, A. *La société civile professionnelle. Un nouveau statut de la profession libérale*, Paris: Librairies techniques, 1974, p.61.

3. Mousseron, P. " L'originalité des sociétés libérales", *Journal des sociétés*, 2010, n°16.

۴. مقررات تشکیل مؤسسات حقوقی و اداره آنها.

اهمیت آزادی انتخاب مشتری: لازمه شخصی بودن رابطه، وجود آزادی انتخاب برای مشتری است. او باید بتواند به طور کامل به ارمغان آورنده صلاحیت و صداقت اعتماد کند.^۱ اصل «آزادی انتخاب» یک اصل بنیادین در حرفه وکالت است^۲ و اصول دیگر مانند استقلال و نتیجه آن، یعنی مسئولیت شخصی، حول محور آن می‌چرخند. به باور ما، وکیل حتی نمی‌تواند مشتری را با تبلیغات به دست آورد و علی‌رغم اینکه تبلیغات در بسیاری حرفه‌ها پذیرفته شده، این کار مخالف شأن وکالت و وکیل است.^۳

سرنوشت آزادی انتخاب مشتری: به نظر می‌رسد اصل آزادی انتخاب، در اجرای مشارکتی وکالت شکننده باشد؛ چه در صورت ورود شرکت به عنوان واسطه، اعتماد ایجاد شده میان شریک و مشتری خدشه‌دار می‌شود و ویژگی شخصی رابطه حقوقی وکیل و مشتری با پیوند مجرد بین وی و شرکت پاک شود. در واقع، باید پذیرفت که مشتری شناخت دقیقی از کارکرد شرکت و شخص پیگیری‌کننده پرونده ندارد.^۴ تقسیم داخلی پرونده‌ها مخالف اصل آزادی انتخاب است. نمی‌توان این اصل را در اجرای مشارکتی وکالت تضمین کرد. منتهی باید دانست در اجرای انفرادی وکالت نیز در مواردی، مانند وکالت تسخیری^۵ و معاضدت^۶، وکیل و مشتری بر یکدیگر تحمیل و رابطه شخصی گسسته می‌شود. البته در مؤسسه در قبال خدشه به اصل آزادی انتخاب، منافع مشتری بیشتر تضمین می‌شود؛ چه طبیعتاً گروهی از متخصصان کارایی بیشتری دارند تا یک متخصص تنها.

۲.۲. برقراری رابطه بین وکلای شریک با سازمان‌دهی همکار

کمیت همکار: سازمان‌دهی همکار یکی از دلایل ایجاد مؤسسه است که به موجب آن شرکا می‌توانند بر اساس ضوابط آن همکارانی را جذب کنند و مؤسسه‌ای متشکل از چند شریک

1. JO.Déb.Parl.,Sénat,27 et 28 juin1966,p.1023.

۲. اصل ۳۵ قانون اساسی و تبصره ماده ۴۸ قانون آ.د.ک.

۳. فاطمی، سیدمصطفی، سخنرانی در خصوص امر وکالت دادگستری و مسائل مربوط به این حرفه،

مورخ ۱۳۷۹/۸/۱۲، چاپ شده در دو فصلنامه راه وکالت، ۱۳۸۹، سال دوم، شماره ۴.

4. HAMELIN,J.,DAMIEN,A. *Les règles de la profession d'avocat*, 9e éd, Paris: Dalloz,2000, n° 281.

۵. ماده ۳۴۸ ق.آ.د.ک.

۶. مواد ۲۴، ۳۱ و ۴۰ قانون وکالت.

تشکیل دهند. اما با پذیرش مؤسسه تک شریکی، این رسالت زیر سؤال می‌رود؛ اتفاقی که با مقررات آیین‌نامه ماده ۱۸۷ قانون برنامه سوم افتاده است؛ چرا که اجازه می‌دهد مؤسسه مشاوران حقوقی با یک شریک تشکیل شود.^۱ درحالی‌که در حقوق ایران برای تشکیل شرکت باید حداقل دو شریک وجود داشته باشد. در صورت اجتماع سهم‌الشرکه در دستان یک شریک، شرکت خود به خود منحل می‌شود.^۲ برای تقویت شخصی بودن رابطه، بهتر است تعداد شرکای مؤسسه حقوقی محدود شود.^۳ بدیهی است که ازدیاد شریک رابطه شخصی مشتری و وکیل را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد.

کیفیت همکاری: نمی‌توان شرکت را از دو گروه متفاوت وکیل وابسته و وکیل پیوسته تشکیل داد. چنین وضعیتی در تعارض با قصد شریک شدن، یعنی اراده همکاری بر پایه تساوی برای رسیدن به هدفی مشترک و تقسیم مسئولیت‌هاست. به همین دلیل، ابهامات زیادی در مورد وضعیت حقوقی اعضای گروه وابسته مؤسسه حقوقی مطرح می‌شود. برابر مقررات مربوط به تشکیل مؤسسات حقوقی و اداره آنها، «گروه وابسته، صاحبان تخصص و حرفی هستند که مؤسسه بنا به مورد و نیاز خود از خدمات آنان استفاده می‌کند». از این تعریف وابستگی ایشان به مؤسسه استنباط می‌شود. این درحالی است که «کارمند وابسته به یک کارفرماست. اما شریک وابسته نیست. او از شرایطی مساوی با شرکای دیگر بهره می‌برد و به‌عنوان شریک از مدیریت شرکت دستور نمی‌گیرد. با این ویژگی‌ها می‌توان قرارداد شرکت را از قرارداد کار جدا ساخت. به‌ویژه، اگر در قرارداد کار شرطی راجع به تقسیم منافع وجود داشته باشد».^۴

مالکیت سهام: لازمه عملکرد صحیح مؤسسه وجود تفاهمی آرمانی میان شرکاست. پس بجاست تا پرسییم نقش وکلای شریک در جذب شریک همکار چیست؟

مشکل و حتی غیرممکن به نظر می‌رسد که واگذاری سهم‌الشرکه به شخص ثالث به نحو دیگری غیر از اجماع شرکا صورت پذیرد. به‌علاوه، در شرکتی که بهتر است در آن مسئولیت شرکا نامحدود باشد، دلیلی وجود ندارد که شرکا دلایل خود را مبنی بر رد شریک جدید به سایر

۱. ماده ۲۱ آیین‌نامه اجرایی ماده ۱۸۷ قانون برنامه سوم.

۲. اسکینی، ربیعا، پیشین، ص ۱۵۱.

۳. ماده ۹ قانون ۱۹۶۶.

4. Le CANNU, P., DONDERO, B. *Droit des sociétés*, 4e éd, Paris: Lextenso, 2012, pp.63-64.

شرکای همکار ارائه دهند.^۱ همین قواعد در صورت فوت شریک نیز حاکم است. رابطه شخصی بین شرکا اجازه تحمیل وراثت را بر شرکای همکار نمی‌دهد.^۲ البته اینکه واگذاری بین شرکا آزاد باشد یا نباشد، به مقررات اساسنامه بستگی دارد.

عضویت شخصیت حقوقی در مؤسسه: از مقررات مواد ۵۸۴ و ۵۸۸ ق ت استنباط می‌شود که اشخاص حقوقی نیز می‌توانند عضو مؤسسه باشند. در حالی که درجه بالای شخصی بودن رابطه در مؤسسه، بسته بودن درجه‌های آن را بر این اشخاص توجیه می‌کند؛ برای پرهیز از بی‌نامی و فرار از مسئولیت، لازم است همیشه یک شریک حقیقی پرونده‌ها را پیگیری کند تا منافع مشتری تأمین و تضمین شود. در خصوص حرفه‌های آزاد، وجود شخصیت حقوقی شرکت نباید ارتباط مستقیم بین حرفه‌ای و مشتری را از بین ببرد. بلکه هر شریک علاوه بر حفظ استقلال خود باید مسئولیت کار خود را نیز بپذیرد.^۳

۲،۳. استمرار روابط با بهره‌مندی حداکثری از شخصیت حقوقی

برخی نویسندگان فرانسوی امتیازات شخصیت حقوقی برای خلأهای نهاد‌های فردی را به این صورت بر شمرده‌اند: «از آنجا که نهاد حقوقی فردی به شدت وابسته به شخص مالک آن می‌باشد، شکنندگی مادرزادی دارد، به عبارتی این نهاد حقوقی بی‌استخوان است، وجود حقوقی خاصی ندارد. شرکت با شخصیت حقوقی به آن استخوان‌بندی حقوقی مناسبی می‌دهد».^۴ منتهی قانون‌گذار ایران در راستای بهره‌مندی از شخصیت حقوقی مؤسسه^۵ اقدام مناسبی انجام نداده است. از بین بردن اثر قهقرایی بطلان قرارداد مؤسسه: اساس یک مؤسسه حقوقی بر قراردادی است که میان شرکا منعقد می‌شود که پس از تشکیل مؤسسه، شرکا به تبعیت از آن ملزم‌اند. بهتر است اثر عطف به ماسبق‌شونده ابطال قرارداد مؤسسه، نه تنها در روابط بین شرکا و اشخاص

۱. ماده ۱۹ قانون ۱۹۶۶ با ویژگی شخصی بودن روابط حاکم بر شرکت حرفه‌ای هماهنگ نیست: «...اگر شرکت تا دو ماه تصمیم خود را در خصوص موافقت یا مخالفت با ورود شریک جدید اعلام نکند، فرض بر این است که رضایت ضمنی داده است». شخصی بودن روابط بر این نوع شرکت اقتضا می‌کند سکوت نشانه مخالفت باشد. JO. Déb.Ass.Nat.24 mai 1966, p.1443.

۲. ماده ۱۳۹ ق.ت.

3. TERRE, F., " Les sociétés civiles professionnelles", JCP, 1967-I-2103, n° 12 et 27.

4. COZIAN, M., VIANDIER A., DEBOISSY, F., op.cit., p.12.

۵. ماده ۵۸۴ ق.ت.

ثالث، بلکه در روابط بین شرکا از بین بروند.^۱ به این ترتیب، ابطال قرارداد مؤسسه همان آثاری را به همراه خواهد داشت که در انحلال وجود دارد. به همین دلیل در حقوق فرانسه این سبب در ماده ۳-۷-۱۸۴۴ق م در میان اسباب انحلال شرکت که مرتبط با شخصیت حقوقی آن است، جاخوش کرده است. در این صورت، عملیات تصفیۀ مؤسسه‌ای که باطل اعلام می‌شود، همانند شرکتی است که به درستی تشکیل و سپس منحل می‌گردد. پس شرکت و شرکا نمی‌توانند از بطلان در برابر ثالث با حسن نیت بهره ببرند.^۲

بدین صورت، ابطال قرارداد مؤسسه به اعتبار اقدامات انجام‌شده توسط شریک پیش از قطعی شدن ابطال خدشه‌ای وارد نخواهد کرد. در موضوع مؤسسه حقوقی عطف به ماسبق نشدن ابطال قرارداد دو امتیاز دارد: نخست، امنیت ثالث را تضمین می‌کند و مانع ایجاد مشکلات عطف به ماسبق شدن، حتی در روابط بین شرکا می‌شود. دوم، از آنجا که مؤسسه با ابلاغ کانون وکلا یا قوه قضائیه تأسیس می‌شود،^۳ مراجع قضایی در اعمال مراجع اداری دخالت نخواهند کرد. به دیگر سخن، تنها صادرکننده تصمیم اداری قادر به پس گرفتن آن خواهد بود.

کاهش اسباب انحلال مؤسسه: ویژگی دوام به مؤسسه حقوقی در برابر اتفاقاتی، مانند انحلال مصنوعیت نمی‌بخشد. موضوع مؤسسه اجرای مشترک وکالت است. پس تحقق یا پایان موضوع در مورد آن مصداق ندارد. با وجود این، انحلال آن در مواردی اجتناب‌ناپذیر است: موافقت همه شرکا، تصمیم قضایی با دلایل موجه، حجر یا ممنوعیت دائم همه شرکا و اجتماع سهم‌الشرکه در دستان یک شریک. در شرایطی که وقفه در فعالیت آزاد همیشه باعث از دست رفتن مشتری است، بهتر است اسباب انحلال مؤسسه را محدود کرد.^۴ بدین منظور قاعده‌ای پیشنهاد می‌شود: «فوت، عدم اهلیت، یا استعفای یک شریک از مؤسسه و ممنوعیت قطعی از اجرای حرفه که ممکن است گریبان‌گیر شریک شود، سبب انحلال آن نیست».^۵ چنین مقرراتی که مخالف

۱. ماده ۱۵-۱۸۴۴ق م ف.

۲. ماده ۱۶-۱۸۴۴ق م ف.

۳. مقررات تشکیل مؤسسات حقوقی و اداره آنها؛ تبصره ۲ ماده ۲۱ قانون برنامه سوم.

۴. سیدی آرانی، سید عباس، **سردفتری ایران و ضرورت بازنگری در روش اجرای آن**، فصلنامه حقوق

خصوصی، ۱۳۹۸، دوره ۴۹، شماره ۲.

۵. ماده ۲۴ قانون ۱۹۶۶.

مقررات شرکت‌های اشخاص است،^۱ ارادهٔ قانون‌گذار را نشان خواهد داد تا به دلیل ویژگی حرفه‌ای مؤسسه اسباب انحلال آن را به حداقل برساند.

آیا در وضعیت کنونی مقررات فوت، عدم اهلیت یا انفصال دائم یک یا چند شریک انحلال مؤسسه را به همراه دارد؟ فوت و عدم اهلیت در شرکت‌های اشخاص که روابط بر مبنای اعتماد و اطمینان است، باعث انحلال خودکار شرکت می‌شود. در صورت فوت شریک حتی اگر وارثی از وی صلاحیت شریک شدن را داشته باشد، باز هم شرکت منحل می‌شود.^۲ اما باید پذیرفت مؤسسه در این موارد منحل نمی‌شود، مگر اینکه این اتفاقات دامن تمام شرکا یا همهٔ آنها، به استثنای یکی را بگیرد. به‌ویژه که مقررات صریح مخالفی در موضوع وجود ندارند. این دیدگاه به دلایلی تقویت می‌شود. به یک دلیل بسنده می‌کنیم: اصل «استصحاب»؛ مؤسسه مدتی وجود داشته است. حال شک می‌کنیم آیا اتفاقات یادشده انحلال آن را به همراه دارند یا خیر. باید قائل به وجود و ادامهٔ فعالیت آن شویم. به‌ویژه که در اینجا شک در رافعیات مانع است که استصحاب در آن حجت است و شک در مقتضی نیست که به باور درست برخی، محل اجرای اصل استصحاب نیست.^۳ این ادعا باید پذیرفته شود. چون انحلال، پیامدهای زیان‌باری به همراه دارد.

۲،۴. استحکام روابط با بهره‌مندی از خاصیت دوام شخصیت حقوقی

تکلیف جداسازی دارایی شریک از مؤسسه: برای نمونه، مشخص نیست قانون‌گذار تا چه اندازه به اصل جداسازی دارایی پایبند است.^۴ آیا مؤسسه با مسئولیت محدود است یا نامحدود؟ از آنجا که اصل پذیرفته شده در حقوق ملی مسئولیت محدود است،^۵ باید دیدگاه نخست را پذیرفت. بنابراین وضعیت شرکای مؤسسه با هم‌تایان آنها در شرکت بامسئولیت محدود یکسان است.^۶ در نتیجه، جداسازی کامل دارایی‌ها صورت می‌پذیرد. اما در خصوص حوزه‌ای که با حقوق

۱. ماده ۱۳۶ ق.ت.

۲. اسکینی، ربیعا، پیشین، ص ۱۳۳.

۳. انصاری، شیخ مرتضی، *فرائد الاصول*، جلد ۲، بیروت: مؤسسه علمی للمطبوعات، ۱۴۱۱ ه.ق، ص ۱۹۶.

۴. سوادکوهی‌فر، سام و بیگی حبیب‌آبادی، محمد، *مطالعه تطبیقی در نظام وکالت دادگستری و ضرورت تجویز وکالت اشخاص حقوقی شرکت خدمات حقوقی*، مطالعات حقوق خصوصی، ۱۳۹۴، دوره ۴۵، شماره ۴.

۵. اسکینی، ربیعا، همان، ص ۳.

۶. ماده ۹۴ ق.ت.

اشخاص ثالث پیوند تنگاتنگی دارد، در شرکتی که در آن درجه بالایی از روابط شخصی حاکم است، می‌توان نسبت به این دیدگاه تردید نمود. همین ویژگی قانون‌گذار را به پذیرش مسئولیت نامحدود شرکای شرکت‌های اشخاص همانند شرکت تضامنی وادار کرده است.^۱

مسئولیت تضامنی مؤسسه نسبت به عمل زیان‌بار شریک خاطی: مبادرت‌کننده فردی حرفه می‌پندارد که مسئولیت وی در اجرای مشارکتی محدود می‌شود. اما این رؤیا حداقل در مؤسسه حقوقی محقق نمی‌شود. در این مؤسسه، شریک شخصاً مسئول پیامدهای زیان‌بار فعالیت خود است.^۲ در جوهره مفهوم حرفه آزاد، اصل رابطه شخصی و مستقیم میان حرفه‌ای و مشتری وجود دارد که منجر به مسئولیت شخصی و مستقیم در قبال مشتری می‌شود.^۳ مسئولیت شخصی وکیل پیامد استقلال اوست. در این شرایط پذیرش مسئولیت محدود مؤسسه در قبال خسارت ناشی از رفتار شرکای خاطی، انتظار ثالث در تأمین منافع برآورده نمی‌کند؛ چه او انتظار بیشتری از مؤسسه‌ای دارد که حرفه را اجرا می‌کند و دستمزد را می‌گیرد. مسئولیت تضامنی در موضوع مناسب‌تر است.^۴ این مسئولیت با تأثیر متقابل موجود در روابط بین مؤسسه و شرکا توجیه می‌شود. تقصیر شریک، تقصیر مؤسسه تلقی می‌شود.

چگونگی تقسیم مسئولیت در روابط مؤسسه و شریک خاطی: گستره مفهوم «دین شرکت» در خصوص مبلغی که مؤسسه پس از پرداخت خسارت می‌تواند از شریک بگیرد، تعیین‌کننده است؛ اگر بتوان مسئولیت مؤسسه را دین شرکتی دانست، مؤسسه نیز مانند شریک خاطی، بدهکار اصلی است، پس می‌تواند نصف خسارت پرداختی را بگیرد. اما اگر شریک مقصر، مدیون باشد و مؤسسه مسئولیت وی را تضمین کند، مؤسسه می‌تواند کل خسارت پرداختی را از شریک درخواست کند.^۵

۱. مواد ۱۱۶ و ۱۲۴ ق.ت.

۲. ماده ۱۶ قانون ۱۹۶۶ و مقررات تشکیل مؤسسات حقوقی و اداره آنها.

3. DAIGRE, J.J. "L'associé d'une SCP est personnellement responsable des conséquences dommageables de ses actes professionnels et la société solidairement avec lui", *Bull. Joly*, 1999, n° 2.

4. DAIGRE, J.J. "La victime d'une faute professionnelle d'un associé d'une SCP peut agir contre l'associé ou contre la société ou contre les deux", *Bull. Joly*, 2005, § 235, n 3.

5. De MOURZITCH, J. "Les sociétés civiles professionnelles de médecins", *JCP*, 1977-I-2866, n° 2.

مسئولیت نامحدود شرکا نسبت به فعل زیان‌بار شریک خاطی: هرچند دیون مؤسسه فقط دیون ایجاد شده توسط مدیر در انجام وظیفه در چهارچوب موضوع آن را در برمی‌گیرد، لازم است خسارت ایجاد شده به دلیل آثار زیان‌بار اعمال شریک خاطی را نیز دین شرکتی دانست. هرچند این دین توسط مدیر به شرکت تحمیل نشده، اما در ارتباط با سندی ایجاد شده که مؤسسه از امتیازات آن بهره‌مند می‌شود. پس قاعده «مَنْ لَهُ الْغَنَمُ فَعَلَيْهِ الْعَرْمُ»،^۱ و می‌دارد که آنها را نیز به عنوان دیون شرکت بشناسیم.^۱ با این تفسیر، مؤسسه تنها مسئول (تضامنی) نسبت به آثار زیان‌بار اعمال شریک نیست؛ اگر مسئولیت نامحدود شرکا نسبت به دین مؤسسه را بپذیریم، شرکا به دلیل تقصیر شریک خاطی نیز مسئولیت (نامحدود) دارند. البته می‌توان سلسله مراتبی را در مراجعه طلبکار به مؤسسه و شرکا در موضوع دیون شرکتی در نظر گرفت^۲ و حق رجوع شرکای پرداخت‌کننده زیان را به شریک خاطی محفوظ دانست.

آزادی شرکا در چگونگی تقسیم دیون مؤسسه بین خود: بهتر است در روابط بین شرکا، تکلیف پرداخت دیون شرکت ویژگی امری خود را از دست بدهد و شرکا بتوانند نحوه تقسیم دیون چگونگی تقسیم آنها را بین خود در اساسنامه مشخص کنند.^۳ توافقات شرکا محترم است، مگر اینکه شریکی را از پرداختن دین معاف نمایند؛ چه این شرط «شیری» است.

۳. نفی سوداگرایی

وکیل دادگستری درصدد دستیابی به نفع حداکثری نیست و به این دلیل از تاجر متمایز است. نفع تاجر در مابه‌التفاوت بین قیمت تمام شده و قیمت فروش کالا است. چگونه می‌توان دستمزد وکیل را در چنین معادله‌ای به دست آورد؟! در واقع، دستمزد وی در قبال دانایی و توانایی وی پرداخت می‌شود. هرچند مسئله کسب درآمد برای پرداخت هزینه‌ها دل‌مشغولی وی نیز است، اما سود بردن نگرانی اصلی او نیست.^۴ البته نباید سوداگرانه نبودن را به صورت مضیق معنی کنیم.

۱. حقوق‌دانان فرانسوی با اعمال قاعده «ubi emolumentum, ibi onus» به نتیجه مشابهی می‌رسند: M.H. MONSERIE-BON, «Responsabilité dans les sociétés civiles professionnelles», RTD com.2003,p.529;R. GUILLAUMOND, «Sociétés civiles professionnelles de médecins», JCP N,1978,I.n°172.

۲. ماده ۱۵ قانون ۱۹۶۶.

۳. ماده ۱۵ قانون ۱۹۶۶.

۴. رأی شعبه اول دادگاه حقوقی یک بندرعباس، نقل از بیگی حبیب‌آبادی، پیشین، ص ۳۲.

باید گفت: «هدف اصلی حرفه‌ای آزاد جستجوی نفع نیست. به‌علاوه، حرفه‌ای آزاد اصل درآمد را از فعالیت حرفه‌ای خود به دست می‌آورد و نه از فعالیت دیگری یا از ابزار کار».^۱ پس وکیل نباید نسبت به منافع مادی علاقه‌ای از خود نشان دهد؛ دستمزد فارغ از وضعیت مادی مشتری مشخص شده است. حتی وکیل باید در مواردی به‌صورت رایگان فعالیت کند. ورود وی به پرونده بدون توجه به آورده مادی آن و سرمایه به‌کاررفته در دفتر است.^۲ در اجرای مشارکتی حرفه ممکن است این وضعیت در خصوص تعیین سهم وکلای شریک و نیز مالیت یافتن مشتری دگرگون شود.

۳،۱. نفی سوداگری و نحوه تقسیم دستمزد

با پذیرش مؤسسه، مسئله معیار تقسیم منافع بین شرکا مطرح می‌شود. در صورت اجرای انفرادی وکالت، طرح این مسئله بی‌هوده است. در واقع، در این روش، اجرا صرفاً به فعالیت حرفه‌ای شرکا دستمزد و اجرت تعلق می‌گیرد نه به سرمایه اختصاص یافته به مؤسسه. برعکس، در صورت اجرای وکالت توسط چند وکیل در یک مؤسسه، ممکن است این وضعیت با شاخص‌های دیگری دگرگون شود. در مقایسه آورنده صنعت و سرمایه، کدامیک اولویت دارد؟ مناسب است در چنین مؤسسه‌ای، اصل بر تقسیم مساوی منافع بین آورندگان متفاوت باشد تا مساواتی بین سرمایه و کار برقرار شود. بدین منظور باید مقرره‌ای به این صورت وضع شود: «لازم نیست تقسیم منافع متناسب با آورده در سرمایه باشد».^۳ وجود چنین مقرره‌ای از ترجیح آورنده سرمایه بر آورنده صنعت جلوگیری خواهد کرد.

جایگاه ویژه آورنده صنعت: در اجرای مشارکتی حرفه وکالت برخی، خطر تجاری شدن این حرفه را گوشزد می‌کنند؛ چرا که معتقدند دخالت شرکت تجاری در اجرای وکالت به نوعی سوق دادن وکالت به سمت کسب سود است.^۴ راه جلوگیری از این خطر تأیید، جایگاه ویژه آورنده صنعت در مؤسسه حقوقی است. آورنده صنعت در صورتی که بتواند در تحقق موضوع شرکتی مؤثر

1. DAIGRE, J. J. "L'exercice en groupe monoprofessionnel", *Exercice en groupe des professions libérales France*, Europe, Etats-Unis, Paris: GLN Joly éd, 1995, n°66.

۲. ماده ۳۴۸ ق‌آ‌دک و ماده ۲۴ قانون وکالت.

3. GOUYOU, R. "L'intérêt du client dans l'exercice en groupe des professions libérales", *LPA*, 1993, n° 34-35.

۴. بیگی حبیب آبادی، پیشین، ص ۱۸.

باشد، پذیرفتنی است. حتی می‌توان گفت در مؤسسه حقوقی، آورده صنعت جایگاهی ویژه دارد. چه شریک برای انجام حرفه خود وارد مؤسسه می‌شود. این آورده در این نوع شرکت همیشگی و همه‌جایی است؛ به نحوی که «موضوع مؤسسه حقوقی با فعالیت شرکا اشتباه می‌شود».^۱ در این شرایط، تفکیک میان این دو موضوع مشکل است: آورده شریکی که فعالیتش را در اختیار مؤسسه قرار می‌دهد و فعالیتی که برابر قواعد کلی باید به مؤسسه اختصاص پیدا کند. برای فعالیتی الزامی، به شریک سهامی جداگانه تعلق نمی‌گیرد، چه اعطای آن فقط در برابر یک فعالیت تکمیلی و با ویژگی خاص ممکن است.

اختصاص سهام ویژه به آورنده صنعت: به آورنده مال سهام معمولی داده می‌شود. دارنده چنین سهامی پس از پایان فعالیت و تا زمان واگذاری سهام خود دستمزد قابل توجهی دریافت می‌کند. بهتر است با بهره‌مندی از وجود آورده صنعت در مؤسسه حقوقی به آن سهامی ویژه اختصاص داده شود؛ سهامی که قابل واگذاری نیست و در صورتی که دارنده آن به هر دلیل عنوان شریک را از دست بدهد، باطل می‌شود: در مؤسسه‌ای که موضوع آن اجرای مشارکتی حرفه است، شریک خارج شده نباید از فعالیت شرکای فعال مؤسسه بهره‌مند شود.^۲ اکنون، در حقوق ایران به آورنده صنعت سهام معمولی داده می‌شود. درست است که اگر آورنده صنعت از شرکت جدا شود، حقی نسبت به منافع ندارد، اما سهام وی به صورت خودکار باطل نمی‌شود. در صورتی که دارنده سهام پس از جدایی از مؤسسه همچنان از منافع بهره‌مند شود، می‌توان علیه او دعوا «استیفا از مال یا عمل دیگری» اقامه کرد.

۳.۲. نفی سوداگری و مالیت داشتن مشتری

تشخیص ماهیت آورده مشتری: مشتری ارزشی است که دارنده شغل با ماهیت مدنی با پیدا کردن مشتری ایجاد می‌کند. در صورت قائل شدن ارزش مالی برای مشتری، شرکا می‌توانند بر مشتری به‌عنوان آورده مالی حساب باز کنند. تفاوت دو آورده مشتری و صنعت روشن است. آورده مشتری در لحظه‌ای که قرار است مؤسسه از آن بهره‌برد، عبارت است از یک کار گذشته و یک حق مکتسب. اما آورده صنعت منحصرأ در خدمت آینده وجود دارد، این آورده در زمان تعهد

1. BARDOUL, J., "Les apports en industrie dans les sociétés civiles professionnelles", *RDS*, 1973:413, n° 2 et 3.

2. Cass 1re civ., 1 juillet 1997, n° de pourvoi: 95-17423, Bull. civ. I.

آورنده به صورت تدریجی محقق می‌شود. اجرا، تأثیر و مدت آورده صنعت به اندازه‌ای نامشخص است که ارزش آن را در لحظه تعهد آورنده ناشناخته می‌سازد؛ نمی‌توان چنین آورنده‌ای را به وسیله‌ای مجبور کرد تا در شرکت کار کند. این وضعیت آورده صنعت را از آورده حق انتفاع متمایز می‌کند؛ می‌توان الزام به انجام تعهد نسبت به آورده اخیر را خواست.

البته در یک مؤسسه حقوقی پیوند تنگاتنگی بین دو آورده مشتری و صنعت وجود دارد. «شریک علاوه بر مشتری خود، صنعتش را هم به شرکت می‌آورد؛ چرا که او نمی‌تواند شریک مؤسسه باشد، ولی در آن فعالیت نکند. بهترین روش برای آوردن مشتری به مؤسسه همین است؛ اگر مشتری را از صنعت آورنده جدا کنیم، واگذاری آورده مشتری به مؤسسه به طور کامل محقق نمی‌شود. هرچند ممکن است آورده مشتری به مؤسسه با تعهد آورنده مبنی بر معرفی آن به مؤسسه و رقابت نکردن با آن نیز کمابیش تحقق یابد. اگر آورنده به چنین تعهدی عمل کند، ارزش مشتری وی حفظ می‌شود»^۱.

تردید نسبت به مالیت مشتری در اجرای فردی: به باور برخی از نویسندگان فرانسوی، مشتری «مردمی هستند آزاد، در همه‌جا، به صورتی که نمی‌توان برای کسی حق انحصاری قائل شد. بنابراین، حرفه‌ای نمی‌تواند انتظار بهره‌برداری از مشتری داشته باشد، بلکه باید به وی خدمت کند. به دلیل همین آزادی، مشتری فقط نسبت به ارزش خدمات بهره‌مند شده مکلف است. واگذاری، اجاره و آوردن مشتری به شرکت سرابی بیش نیست»^۲. دیوان عالی کشور تا چند سال پیش مشتری را موضوع عمل حقوقی نمی‌دانست و بر نبود ارزش مادی مشتری پافشاری می‌کرد.^۳ برخی این واقعیت را نفی نکردند، منتهی اضافه کردند که چون جذب مشتری نیازمند صرف زمان و هزینه است، باید به مشتری ارزش مادی داد. دیوان یک بار در سال ۲۰۰۰^۴ و بار دیگر در سال ۲۰۰۱^۵ ارزش مادی مشتری را پذیرفته، اصطلاح «سرمایه آزاد» را به آن

1. BARDOUL, J., op. cit., n°7,9 et 11.

2. SAVATIER, R., " L'introduction et l'évolution du bien-clientèle dans la construction du droit positif français", *Mel. J. Maury*, t. II, 1960, Dalloz-Sirey, p.559; Cass. 1re civ., 22 avril 1981, Bull.civ.I.

3. Cass. 1re civ., 31 mai 1988, Bull. civ.I, n°160, RDS 1989, 239, note Y. CHARTIER.

4. Cass. 1re civ., 7 novembre 2000, D.2001.2400, note Y. AUGUET, D.2001, somm. 3081, obs. J. PENNEAU.

5. Cass. 1re civ., 2 mai 2001, D.2002.759, note de W. DROSS.

اختصاص داد.^۱ برابر تصمیم اخیر، «مشتری، لوازم و محل کار صاحب حرفه آزادی که فوت کرده، همگی «سرقفلی حرفه آزاد» را تشکیل می‌دهند...».

این درحالی است که به نظر نمی‌رسد، دیوان عالی کشور ایران برای مشتری وکیل دادگستری ارزش مالی قائل باشد. درواقع، برابر رأی شماره ۶۰۷ این مرجع، «دفتر وکالت به اعتبار شخص وکیل اداره می‌شود نه به اعتبار محل کار... دفتر وکالت دادگستری را نمی‌توان از مصادیق محل کسب و پیشه و تجارت دانست...». از آنجا که مشتری از عناصر تشکیل‌دهنده مفهوم کسب و پیشه و تجارت است، باید گفت فوت و کناره‌گیری وکیل، موجب از دست رفتن مشتری وی می‌شود. پس وکیل نمی‌تواند آن را به دیگری واگذار کند. در صورت پذیرش مالیت مشتری در حقوق ایران، وکیل در قبال دریافت سهم‌الشرکه می‌توانست وی را به عنوان آورده مالی (غیرنقد) به مؤسسه بیاورد.

اطمینان نسبت به مالیت مشتری در اجرای مشارکتی: با مشارکتی شدن وکالت مالیت مشتری تأیید می‌شود و حقوق ایران چاره‌ای جز پذیرش آن نخواهد داشت؛ بی‌تردید شریکی که از مؤسسه کناره‌گیری می‌کند و وراثت شریک متوفا، حق واگذاری سهم‌الشرکه خود یا مورث را دارند. درواقع، سهم‌الشرکه یک مال واقعی است. دیوان عالی کشور فرانسه در رأی مورخ ۳ مارس ۱۹۹۳ مالیت سهم‌الشرکه را تأیید می‌کند و پایه‌ای حقوقی بدان می‌بخشد: «این ویژگی سهم‌الشرکه از این واقعیت منتج می‌شود که حق شریک به تقسیم منافع و بهره‌مندی از صرفه‌جویی اقتصادی حاصل از بهره‌برداری در شرکت با سهم‌الشرکه پیوند خورده است».^۲ در نتیجه، از آنجا که سهم‌الشرکه مؤسسه حقوقی معرف مشتری نیز است، مالیت مشتری به صورت غیرمستقیم تأیید می‌شود و تردیدها را درخصوص مالیت آن از بین می‌برد. پس باید پذیرفت که در اجرای مشارکتی وکالت، ویژگی سوداگرانه نبودن آن تا اندازه‌ای آسیب می‌بیند. پس با ژرارد متو هم‌صدا می‌شویم که «ادبیات آرمانی درمورد سوداگرانه نبودن حرفه آزاد همیشه با واقعیت‌ها هم‌خوانی ندارد».^۳

۱. مواد ۱۰ و ۳۵ قانون ۱۹۶۶ و ماده ۱۲ آیین‌نامه شماره ۶۸۰-۹۲ مورخ ۲۰ ژوئیه ۱۹۹۲.

۲. Cass. 1re civ., 3mars 1993, n° de pourvoi: 91-16157.

۳. MEMETEAU, G., note sous arrêt cass. civ. 1re, 8janvier 1985: JCP, 1986-II-20545.

نتیجه‌گیری

در این مختصر ویژگی‌های وکالت تعریف و قواعد اساسی برای تضمین آنها پیشنهاد شد. در وضع مقررات خاص برای تغییر روش اجرای یک حرفه باید ویژگی‌های آن باید حفظ شود تا حرفه دچار دگرگونی ماهیتی نشود. البته نادیده گرفتن یک نکته اساسی منطبق بخشی از قواعد پیشنهادی را به هم می‌ریزد. نکته‌ای که حلقه مفقوده اندک مطالعات انجام شده پیرامون اجرای مشارکتی وکالت نیز هست؛ موضوع مؤسسه حقوقی، نه فقط به اشتراک گذاردن وسایل لازم برای انجام فعالیت شرکا، بلکه اجرای مشترک وکالت است. اگر قانون‌گذار موضوع مؤسسه را به درستی تعریف کند، یک شخص حقوقی می‌تواند مانند یک شخص حقیقی وکالت کند، عضو واقعی حرفه باشد، قرارداد را با مشتری منعقد کند و به سبب فعالیت‌های انجام شده توسط شرکا مسئول باشد. در این صورت، می‌توان این شخص را ملزم به رعایت قواعد حرفه‌ای نمود و در صورت تخلف تحت تعقیب انتظامی قرار داد. علاوه بر این، مسئله اعطای پروانه وکالت به یک شخص حقوقی^۱ و در نتیجه امکان توکیل آن به دیگری^۲ حل و نگرانی ایجاد واسطه بین وکیل و مشتری رفع می‌شود.

۱. ماده ۲ قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت دادگستری.

۲. ماده ۶۶۲ ق.م.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

کتاب

۱. اسکینی، ربیعا، **حقوق تجارت، شرکت‌های تجاری**، جلد ۱، تهران: سمت، چاپ یازدهم، ۱۳۹۳.
۲. دمیرچیلی، محمد، علی حاتمی و محسن قرائی، **قانون تجارت در نظم کنونی حقوقی دمیرچی**، تهران: دادستان، چاپ نهم، ۱۳۸۸.
۳. ستوده تهرانی، حسن، **حقوق تجارت**، جلد ۱، تهران: دادگستر، ۱۳۸۲.
۴. سیدی آرانی، سید عباس، **شرکت مدنی حرفه‌ای سردفتری (ازپیدایش در فرانسه تا پذیرش در فرانسه)**، تهران: میزان، ۱۳۹۶.
۵. قهرمانی، نصرالله و ابراهیم یوسفی محله، **مجموعه کامل مقررات وکالت**، تهران: مجد، چاپ دوم، ۱۳۸۲.
۶. محسنی، حسن، **وکالت و کانون وکلای دادگستری در نظام حقوقی**، تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ دوم، ۱۳۹۳.

مقاله

۷. اسمعیلی افراسیابی، محمد حسن، **مسئولیت حرفه‌ای وکیل، کانون وکلا، تابستان ۱۳۸۱**، شماره ۱۷۷.
۸. برتراند، ادموند، **حرفه وکالت**، ترجمه صدرزاده افشار، مجله کانون وکلا، ۱۳۵۴، شماره ۱۳۱.
۹. بیگی حبیب‌آبادی، محمد، **ارائه خدمات حقوقی در قالب شرکت‌های سهامی**، گزارش پژوهشی تحقیقات قضایی.
۱۰. سوادکوهی فر، سام و محمد بیگی حبیب‌آبادی، **مطالعه تطبیقی در نظام وکالت دادگستری و ضرورت تجویز وکالت اشخاص حقوقی (شرکت خدمات حقوقی)**، مطالعات حقوق خصوصی، زمستان ۱۳۹۴، دوره ۴۵، شماره ۴.

۱۱. سیدی آرانی، سید عباس، **اختلاط بین مفهوم اشاعه و شرکت در قانون مدنی ایران**، مجله تحقیقات حقوقی دانشگاه شهیدبهشتی، بهار ۹۳، شماره ۶۶.
۱۲. سیدی آرانی، سید عباس، **مقایسه تطبیقی شرکت نسبی در حقوق ایران و شرکت مدنی در حقوق فرانسه**، مجله حقوق اسلامی، زمستان ۱۳۹۷، دوره ۱۵، شماره ۵۹.
۱۳. سیدی آرانی، سید عباس، **سردفتری ایران و ضرورت بازنگری در روش اجرای آن**، فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی دانشگاه تهران، تابستان ۱۳۹۸، دوره ۴۹، شماره ۲.
۱۴. فاطمی، سیدمصطفی، **سخنرانی در خصوص امر وکالت دادگستری و مسائل مربوط به این حرفه**، مورخ ۱۳۷۹/۸/۱۲، چاپ شده در دو فصلنامه راه وکالت، ۱۳۸۹، سال دوم، شماره ۴.
۱۵. متین دفتری، احمد، **نامه به منظور تبریک استقلال کانون وکلای دادگستری**، نقل از کانون وکلا، مجله علمی حقوقی انتقادی، سال پنجم، بهمن و اسفند ۱۳۳۱، شماره ۲۹.
۱۶. محسنی، حسن، **نظام حقوقی کانون وکلا**، گزارش پژوهشی تحقیقات قضایی.
۱۷. محسنی، حسن، غمامی، مجید، **رابطه میان استقلال قضاوت و استقلال وکالت**، مطالعات حقوق خصوصی، تابستان ۱۳۹۴، دوره ۴۵، شماره ۲.
- رأی دیوان عالی کشور ایران**
۱۸. رأی شماره ۶۰۷-۱۳۷۵/۶/۲۰- دیوان عالی کشور، روزنامه رسمی، ش ۱۵۰۶۴-۱۳۷۵/۸/۲۶.

ب) منبع عربی

۱۹. انصاری، شیخ مرتضی، **فرائد الاصول**، جلد ۲، بیروت: مؤسسه اعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۱ ه ق.

ج) منابع فرانسوی**Books**

20. CHAPPUIS, J. "Les sociétés civiles professionnelles notariales", thèse, Université Lyon III, 1969.
21. CARGNINO, D., "De la profession à l'entreprise libérale", thèse, Université Lyon III, 1999.

22. COZIAN, M.,VIANDIER A.,DEBOISSY,F., Droit des sociétés.25e éd Paris: Lexis Nexis ,2012.
23. HAMELIN, J.,DAMIEN, A., Les règles de la profession d'avocat, 9e éd, Paris: Dalloz,2000.
- 24.LAMBOLEY,A.,La société civile professionnelle. Un nouveau statut de la profession libérale, Paris : Librairies techniques,1974.
- 25.Le CANNU P.,DONDERO, B.,Droit des sociétés,4e éd,Paris:Lextenso,2012.
- 26.MAURY, F., L'exercice, sous la forme d'une société, d'une profession libérale réglementée, Presses universitaires d'Aix-Marseille,2000.
- 27.SAVATIER, J., La profession libérale. Etude juridique et pratique. Thèse, Poitiers,1947.

Articles

28. BARDOUL, J., "les apports en industrie dans les sociétés civiles professionnelles", RDS,1973:413.
- 29.CATALA, P., "L'indivision", Defrénois,1979, art.31874.
- 30.CHARDENON,P.et de MOURZITCH,J., "Les sociétés civiles professionnelles d'avocats",JCP,1972-I-2499.
- 31.DAIGRE,J.J."L'exercice en groupe monoprofessionnel", Exercice en groupe des professions libérales, Paris: GLN Joly éd,1995.
- 32.DAIGRE, J.J."L'associé d'une SCP est personnellement responsable des conséquences dommageables de ses actes professionnels et la société solidairement avec lui",Bull. Joly,1999.
- 33.DAIGRE, J.J. "La victime d'une faute professionnelle d'un associé d'une SCP peut agir contre l'associé ou contre la société ou contre les deux", Bull. Joly,2005,§235.
- 34.GOUYOU, R."L'intérêt du client dans l'exercice en groupe des professions libérales" ,LPA,1993.
- 35.GUILLAUMOND, R. "Sociétés civiles professionnelles de médecins",JCP N,1978, I.
- 36.GUYON, Y. "L'exercice en société des professions libérales règlementées",D.,1991.
- 37.GUYON, Y. "Les apports en industrie dans les sociétés civiles professionnelles", Defrénois,1999.
- 38.MAURY, F., "Sociétés civiles professionnelles", Rép. Sociétés Dalloz,2009.

39. MEMETEAU, G., note sous arrêt cass.civ.1re, 8 janvier 1985: JCP, 1986-II-20545.
40. MONSERIE-BON, M.H., "Responsabilité dans les sociétés civiles professionnelles", RTD com. 2003.
41. De MOURZITCH, J., "Les sociétés civiles professionnelles de médecins", JCP, 1977-I-2866.
42. Mousseron, P., "L'originalité des sociétés libérales", Journal des sociétés, 2010.
43. SAVATIER, J., "Qu'est-ce qu'une profession libérale", Rev. Projet, civilisation, travail, économie, Paris: Centre de recherche et d'action sociale, 1966.
44. SAVATIER, R., "L'introduction et l'évolution du bien-clientèle dans la construction du droit positif français", Mel. J. Maury, t. II, Dalloz-Sirey, 1960.
45. TERRE, F., "Les sociétés civiles professionnelles", JCP, 1967-I-2103.

Opinions of the French Supreme Court

46. Cass. 1re civ., 22 avril 1981, Bull. civ. I.
47. Cass. 1re civ., 31 mai 1988, Bull. civ. I, n° 160, RDS 1989, 239, note Y. CHARTIER.
48. Cass. 1re civ., 3 mars 1993, n° de pourvoi: 91-16157.
49. Cass. 1re civ., 1 juillet 1997, n° de pourvoi: 95-17423, Bull. civ. I.
50. Cass. 1re civ.,
7 novembre 2000, D. 2001. 2400, note Y. AUGUET, D. 2001, somm. 3081, obs. J. PENNEAU.
51. Cass. 1re civ., 2 mai 2001, D. 2002. 759, note de W. DROSS.

Official Journal of France

52. JO. Déb. Parl., Ass. Nat., CR, 24 mai 1966.
53. JO. Déb. Parl., Sénat, 27 et 28 juin 1966.

